

چهل حدیث منتخب از امام حسن مجتبی (ع)

ای فرزند آدم! نسبت به محرمات الهی عقیف و پاکدامن باش تا عابد و بنده خدا باشی... نسبت به همسایگان، دوستان و همشینیان خود نیکی و احسان نما تا مسلمان محسوب شوی و با افراد چنان برخورد کن که انتظار داری دیگران همان گونه با تو برخورد کنند.

ای فرزند آدم! نسبت به محرمات الهی عقیف و پاکدامن باش تا عابد و بنده خدا باشی... نسبت به همسایگان، دوستان و همشینیان خود نیکی و احسان نما تا مسلمان محسوب شوی و با افراد چنان برخورد کن که انتظار داری دیگران همان گونه با تو برخورد کنند.

به گزارش خبرگزاری بین المللی قرآن (ایکنا)، گزیده‌ای از سخنان امام مجتبی (ع) در قالب 40 حدیث از ایشان گردآوری شده است که در ادامه آن را می‌خوانید.

1- قَالَ الْإِمَامُ الْحَسَنُ الْمُجْتَبَى (عَلَيْهِ السَّلَام) : يَا ابْنَ آدَمَ! عَفَّ عَنْ مَحَارِمِ اللَّهِ تَكُنْ عَابِدًا، وَ أَرْضْ بِمَا قَسَمَ اللَّهُ سُبْحَانَهُ لَكَ تَكُنْ غَنِيًّا، وَ أَحْسِنْ جَوَارَ مَنْ جَاوَزَكَ تَكُنْ مُسْلِمًا، وَ صَاحِبِ النَّاسِ بِمِثْلِ مَا تُحِبُّ أَنْ يُصَاحِبُوكَ بِهِ تَكُنْ عَدْلًا. ([1])

امام حسن مجتبی (علیه السلام) فرمود: ای فرزند آدم! نسبت به محرمات الهی عقیف و پاکدامن باش تا عابد و بنده خدا باشی. راضی باش بر آنچه که خداوند سبحان برایت تقسیم و مقدر نموده است، تا همیشه غنی و بی نیاز باشی. نسبت به همسایگان، دوستان و همشینیان خود نیکی و احسان نما تا مسلمان محسوب شوی. با افراد (مختلف) آنچنان برخورد کن که انتظار داری دیگران همانگونه با تو برخورد نمایند.

2- قَالَ (عَلَيْهِ السَّلَام): وَ تَحْنُ رِيحَاتِنَا رَسُولَ اللَّهِ، وَ سَيِّدَا شَبَابِ أَهْلِ الْجَنَّةِ، فَلَعَنَ اللَّهُ مَنْ يَتَقَدَّمُ، أَوْ يُقَدِّمُ عَلَيْنَا أَحَدًا. ([2])
امام حسن مجتبی (علیه السلام) به دنباله وصیتش در حضور جمعی از اصحاب فرمود: و ما دو نفر - یعنی حضرت و برادرش امام حسین (علیهما السلام) - ریحانه رسول الله (صلی الله علیه وآله وسلم) و دو سرور جوانان اهل بهشت هستیم، پس خدا لعنت کند کسی را که بر ما پیشقدم شود یا دیگری را بر ما مقدم دارد.

3- قَالَ (عَلَيْهِ السَّلَام): وَ إِنْ حَبْتَا لِيُسَاقِطُ الدُّثُوبَ مِنْ بَنَى آدَمَ، كَمَا يُسَاقِطُ الرِّيحُ الْوَرَقَ مِنَ الشَّجَرِ. ([3])
فرمود: همانا محبت و دوستی با ما (اهل بیت رسول الله (صلی الله علیه وآله وسلم)) سبب ریزش گناهان - از نامه اعمال - می شود، همان طوری که وزش باد، برگ درختان را می ریزد.

4- قَالَ (عَلَيْهِ السَّلَام): لَقَدْ فَارَقَكُمْ رَجُلٌ بِالْأَمْسِ لَمْ يَسِيقْهُ الْاَوَّلُونَ، وَ لَا يَذْرُكُهُ الْآخِرُونَ. ([4])
پس از شهادت پدرش امیرالمؤمنین علی (علیه السلام)، در جمع اصحاب فرمود: شخصی از میان شماها رفت که در گذشته مانند او نیامده است، و کسی در آینده نمی تواند هم تراز او قرار گیرد.

5- قَالَ (عَلَيْهِ السَّلَام): مَنْ قَرَأَ الْقُرْآنَ كَانَتْ لَهُ دَعْوَةٌ مُجَابَةً، إِمَّا مُعْجَلَةً وَإِمَّا مُؤَجَّلَةً. ([5])
فرمود: کسی که قرآن را - با دقت - قرائت نماید، در پایان آن - اگر مصلحت باشد - دعایش سریع مستجاب خواهد شد - و اگر مصلحت نباشد - در آینده مستجاب می گردد.

6- قَالَ (عَلَيْهِ السَّلَام): إِنَّ هَذَا الْقُرْآنَ فِيهِ مَصَابِيحُ الثَّوْرِ وَشِفَاءُ الصَّدُورِ. ([6])
فرمود: همانا در این قرآن چراغ های هدایت به سوی نور و سعادت موجود است و این قرآن شفای دل ها و سینه ها است.

7- قَالَ (عَلَيْهِ السَّلَام): مَنْ صَلَّى، فَجَلَسَ فِي مَصَلَاةٍ إِلَى طُلُوعِ الشَّمْسِ كَانَ لَهُ سِتْرٌ مِنَ النَّارِ. ([7])
فرمود: هر که نماز - صبح - را به خواند و در جایگاه خود بنشیند تا خورشید طلوع کند، برایش پوششی از آتش خواهد بود.

8- قَالَ (عَلَيْهِ السَّلَام): إِنَّ اللَّهَ جَعَلَ شَهْرَ رَمَضَانَ مِصْمَارًا لِحَلْقِهِ، فَيَسْتَيْفُونَ فِيهِ بِطَاعَتِهِ إِلَى مَرْضَاتِهِ، فَسَبَقَ قَوْمٌ فُقَارًا، وَ قَصَرَ آخَرُونَ فَخَابُوا. ([8])

فرمود: خداوند متعال ماه رمضان را برای بندگان خود میدان مسابقه قرار داد. پس عده ای در آن ماه با اطاعت و عبادت به سعادت و خوشنودی الهی از یکدیگر سبقت خواهند گرفت و گروهی از روی بی توجهی و سهل انگاری خسارت و ضرر می نمایند.

9- قَالَ (عَلَيْهِ السَّلَام): مَنْ أَدَامَ الْاِخْتِلَافَ إِلَى الْمَسْجِدِ أَصَابَ إِحْدَى ثَمَانِ آيَةٍ مُحْكَمَةٍ، أَخَا مُسْتَفَادًا، وَعِلْمًا مُسْتَطَرَفًا، وَرَحْمَةً مُنْتَظَرَةً، وَكَلِمَةً تَدُلُّهُ عَلَى الْهُدَى، أَوْ تَرُدُّهُ عَنِ الرَّدَى، وَتَرَكَ الدُّثُوبَ حَيَاءً أَوْ حَشْيَةً. ([9])

فرمود: هرکس جایگاه - عبادات - خود را در مسجد قرار دهد یکی از هشت فایده شاملش می گردد: برهان و نشانه ای - برای معرفت - دوست و برادری سودمند، دانش و اطلاعاتی جامع، رحمت و محبت عمومی، سخن و مطلبی که او را هدایت گر باشد، - توفیق اجباری - در ترک گناه به جهت شرم از مردم و یا به جهت ترس از عقاب.

10- قَالَ (عَلَيْهِ السَّلَام): مَنْ أَكْثَرَ مُجَالِسَةَ الْعُلَمَاءِ أَطْلَقَ عِقَالُ لِسَانِهِ، وَ تَقَوَّى مَرَاتِقَ ذَهْنِهِ، وَ سَرَّ مَا وَجَدَ مِنَ الزِّيَادَةِ فِي نَفْسِهِ، وَكَانَتْ لَهُ وَلايَةٌ لِمَا يَعْلَمُ، وَ إِفَادَةٌ لِمَا تَعْلَمُ. ([10])

فرمود: هر که با علماء بسیار مجالست نماید، سخنش و بیانش در بیان حقایق آزاد و روشن خواهد شد، و ذهن و اندیشه اش باز و توسعه می یابد و بر معلوماتش افزوده می گردد و به سادگی می تواند دیگران را هدایت نماید.

- 11- قال (عليه السلام): تَعْلَمُوا الْعِلْمَ، فَإِنْ لَمْ تَسْتَطِيعُوا حِفْظَهُ فَاجْتَنِبُوا وَصْعُوهُ فِي بُيُوتِكُمْ. [11]
- فرمود: علم و دانش را - از هر طریقی - فرا گیرید، و چنانچه نتوانستید آنرا در حافظه خود نگه دارید، ثبت کنید و بنویسید و در منازل خود در جای مطمئن قرار دهید.
- 12- قال (عليه السلام): مَنْ عَرَفَ اللَّهَ أَحَبَّهُ، وَ مَنْ عَرَفَ الدُّنْيَا زَهَدَ فِيهَا. [12]
- فرمود: هرکس خدا را بشناسد، (در عمل و گفتار) او را دوست دارد و کسی که دنیا را بشناسد آن را رها خواهد کرد.
- 13- قال (عليه السلام): هَلَاكُ الْمَرْءِ فِي ثَلَاثٍ: الْكِبَرُ، وَالْحِرْصُ، وَالْحَسَدُ؛ فَالْكِبَرُ هَلَاكُ الدِّينِ، وَبِهِ لَعْنُ إِبْلِيسَ. وَالْحِرْصُ عَدُوُّ التَّقَى، وَبِهِ حَرَجَ آدَمُ مِنَ الْجَنَّةِ. وَالْحَسَدُ رَائِدُ السُّوءِ، وَبِهِ قُتِلَ قَابِيلُ هَابِيلَ. [13]
- فرمود: هلاکت و نابودی دین و ایمان هر شخص در سه چیز است: تکبر، حرص، حسد. تکبر سبب نابودی دین و ایمان شخص می باشد و به وسیله تکبر شیطان - با آن همه عبادت ملعون گردید. حرص و طمع دشمن شخصیت انسان است، همان طوری که حضرت آدم (علیه السلام) به وسیله آن از بهشت خارج شد. حسد سبب همه خلاف ها و زشتی ها است و به همان جهت قابیل برادر خود هابیل را به قتل رساند.
- 14- قال (عليه السلام): بَيْنَ الْحَقِّ وَالْبَاطِلِ أَرْبَعُ أَصَابِعٍ، مَا رَأَيْتَ بَعَيْنِكَ فَهُوَ الْحَقُّ وَقَدْ تَسْمَعَ بِأُذُنِكَ بَاطِلًا كَثِيرًا. [14]
- فرمود: بین حق و باطل چهار انگشت فاصله است، آنچه که را با چشم خود ببینی حق است؛ و آنچه را شنیدی یا آن که برایت نقل کنند چه بسا باطل باشد.
- 15- قال (عليه السلام): أَلْعَارُ أَهْوَنُ مِنَ النَّارِ. [15]
- فرمود: سرزنش و ننگ شمردن مردم انسان را، آسان تر است از معصیت و گناهی که موجب آتش جهنم شود.
- 16- قال (عليه السلام): إِذَا لَقِيَ أَحَدُكُمْ أَخَاهُ فَلْيَقْبِلْ مَوْضِعَ الثَّوْرِ مِنْ جَبْهَتِهِ. [16]
- فرمود: وقتی انسان برادر مؤمن - و دوست - خود را ملاقات نمود، باید پیشانی و سجده گاه او را ببوسد.
- 17- قال (عليه السلام): إِنْ اللَّهَ لَمْ يَخْلُقْكُمْ عَبَثًا، وَلَيْسَ بِتَارِكِكُمْ سُدًى، كَتَبَ أَجَالَكُمْ، وَقَسَمَ بِبَيْتِكُمْ مَعَايِشَكُمْ، لِيَعْرِفَ كُلُّ ذِي لَبٍّ مَثَلَتَهُ، وَأَنْ مَاقَدَّرَ لَهُ أَصَابُهُ، وَمَا صُرِفَ عَنْهُ فَلَنْ يُصِيبَهُ. [17] وَ قَالَ: مَنْ عَبْدَ اللَّهَ، عَبْدَ اللَّهِ لَهُ كُلُّ شَيْءٍ. [18]
- فرمود: خداوند شما انسان ها را بیهوده و بدون غرض نیافریده و شما را آزاد، رها نکرده است. لحظات آخر عمر هر یک معین و ثبت می باشد، نیازمندی ها و روزی هرکس سهمیه بندی و تقسیم شده است تا آن که موقعیت و منزلت شعور و درک اشخاص شناخته گردد. و نیز فرمود: هر کسی که خداوند را عبادت و اطاعت کند، خدای متعال همه چیزها را مطیع او گرداند.
- 18- قال (عليه السلام) لِيَغْضُ وَلَدُهُ: يَا بُتَيَّ! لَا تُوَاخِ أَحَدًا حَتَّى تَعْرِفَ مَوَارِدَهُ وَ مَصَادِرَهُ، فَإِذَا اسْتَنْبَطْتَ الْخَيْرَ، وَ رَضِيتَ الْعِشْرَةَ، فَأَخِهِ عَلَى إِقَالَةِ الْعَثْرَةِ، وَ الْمَوَاسَاةِ فِي الْعُسْرَةِ. [19]
- به بعضی از فرزندان فرمود: ای پسر! با کسی دوستی و برادری برقرار نکن مگر آن که او را از هر جهت بشناسی و مورد اطمینان باشد، پس هنگامی که چنین فردی را یافتی در همه امور با او باش.
- 19- سئل (عليه السلام): عَنِ الْبُخْلِ؟ فَقَالَ: هُوَ أَنْ يَرَى الرَّجُلُ مَا أَتَقَفَهُ تَلْفًا، وَمَا أَمْسَكَهُ شَرْفًا. [20]
- از حضرت پیرامون بخل سؤال شد؟ در جواب فرمود: معنای آن چنین است که انسان آنچه را به دیگری کمک و انفاق کند فکر نماید که از دست داده و تلف شده است و آنچه را ذخیره کرده و نگه داشته است خیال کند برایش باقی می ماند و موجب شخصیت و شرافت او خواهد بود.
- 20- قال (عليه السلام): تَرَكُ الرِّثَا، وَكُنُسُ الْفَنَاءِ، وَعَسَلُ الْأَنَاءِ مَجْلِبَةٌ لِلْغِنَاءِ. [21]
- فرمود: انجام ندادن زنا، جاروب و نظافت کردن راهرو و درب منزل، و شستن ظروف سبب رفاه و بی نیازی می گردد.
- 21- قال (عليه السلام): السِّيَاسَةُ أَنْ تَرعى حَقُوقَ اللَّهِ، وَحَقُوقَ الْأَحْيَاءِ، وَحَقُوقَ الْأَمْوَاتِ. [22]
- فرمود: - مفهوم و معنای - سیاست آن است که حقوق خداوند و حقوق موجودات زنده و حقوق مردگان را رعایت کنی.
- 22- قال (عليه السلام): مَا تَشَاوَرَ قَوْمٌ إِلَّا هُدُوا إِلَى رُشْدِهِمْ. [23]
- فرمود: هیچ گروهی در کارهای - اجتماعی، سیاسی، اقتصادی، فرهنگی و ... - با یکدیگر مشورت نکرده اند مگر آن که به رشد فکری و عملی و ... رسیده اند.
- 23- قال (عليه السلام): الْخَيْرُ الَّذِي لَا شَرَفِيهِ: الشُّكْرُ مَعَ النِّعْمَةِ، وَالصَّبْرُ عَلَى النَّازِلَةِ. [24]
- فرمود: آن خوبی که شر و آفتی در آن نباشد شکر در مقابل نعمت ها و صبر و شکیبائی در برابر سختی ها است.
- 24- قال (عليه السلام): يَا بَنَ آدَمَ! لَمْ تَزَلْ فِي هَذِهِ عُمْرِكَ مُنْذُ سَقَطْتَ مِنْ بَطْنِ أُمِّكَ، فَحُذِّ مِمَّا فِي يَدَيْكَ لِمَا بَيْنَ يَدَيْكَ، فَإِنَّ الْمُؤْمِنَ بَتَرُودٌ وَ الْكَافِرُ يَتَمَتَّعُ. [25]
- فرمود: ای فرزند آدم از موقعی که به دنیا آمده ای، در حال گذراندن عمرت هستی، پس از آنچه داری برای آینده ات (قبر و قیامت) ذخیره نما، همانا که مؤمن در حال تهیه زاد و توشه می باشد؛ ولیکن کافر در فکر لذت و آسایش است.
- 25- قال (عليه السلام): إِنْ مَنْ حَوْفَكَ حَتَّى تَبْلُغَ الْأَمْنَ، خَيْرٌ مِمَّنْ يُؤْمِنُكَ حَتَّى تَلْتَفِيَ الْخَوْفَ. [26]
- فرمود: همانا کسی تو را - در برابر عیب ها و کم بودها - هشدار دهد تا آگاه و بیدار شوی، بهتر است از آن کسی که فقط تو را تعریف و تمجید کند تا بر عیب هایت افزوده گردد.

- 26- قال (عليه السلام): الْقَرِيبُ مَنْ قَرَّبَتْهُ الْمَوَدَّةُ وَإِنْ بَعْدَ نَسْبِهِ، وَالْبَعِيدُ مَنْ بَاعَدَتْهُ الْمَوَدَّةُ وَإِنْ قَرُبُ نَسْبِهِ. ([27])
فرمود: بهترین دوست نزدیک به انسان، آن کسی است که در تمام حالات دلسوز و با محبت باشد گرچه خویشاوندی نزدیکی هم نداشته باشد. و بیگانه ترین افراد کسی است که از محبت و دلسوزی بیگانه باشد گرچه از نزدیک ترین خویشاوندان باشد.
- 27- وَسُئِلَ عَنِ الْمَرْوَةِ؟ فَقَالَ (عليه السلام): شَحُّ الرَّجُلِ عَلَى دِينِهِ، وَإِصْلَاحُهُ مَالَهُ، وَقِيَامُهُ بِالْحَقُّوقِ. ([28])
از حضرت (علیها السلام) پیرامون مرآت و جوانمردی سؤال شد، فرمود: جوانمرد کسی است که در نگهداری دین و عمل به آن تلاش نماید، در اصلاح اموال و ثروت خود همت گمارد، و در رعایت حقوق طبقات مختلف پا بر جا باشد.
- 28- قَالَ (عليه السلام): عَجِبْتُ لِمَنْ يُفَكِّرُ فِي مَأْكُولِهِ كَيْفَ لَا يُفَكِّرُ فِي مَعْقُولِهِ، فَيَجْنِبُ بَطْنَهُ مَا يُؤْذِيهِ، وَيُودِّعُ صَدْرَهُ مَا يُزْدِيهِ. ([29])
فرمود: تعجب می کنم از کسی که در فکر خوراک و تغذیه جسم و بدن هست ولی درباره تغذیه معنوی روحی خود نمی اندیشد، پس از غذاهای فاسد شده و خراب دوری می کند. و عقل و قلب و روح خود را کاری ندارد - هر چه و هر مطلب و برنامه ای به هر شکل و نوعی باشد استفاده می کند - .
- 29- قَالَ (عليه السلام): عَسَلُ الْيَدَيْنِ قَبْلَ الطَّعَامِ يُنْفِي الْفَقْرَ، وَبَعْدَهُ يُنْفِي الْهَمَّ. ([30])
فرمود: شستن دست ها قبل از طعام فقر و تنگدستی را می زداید و بعد از آن ناراحتی ها و آفات را از بین می برد.
- 30- قَالَ (عليه السلام): حُسْنُ السُّؤَالِ نِصْفُ الْعِلْمِ. ([31])
فرمود: کسی که عادت سؤال و حالت پرس و جو دارد مثل آن است که نصف علم ها را فرا گرفته باشد.
- 31- قَالَ (عليه السلام): إِنَّ الْجَلَمَ زِينَةُ، وَالْوَفَاءَ مَرْوَةٌ، وَالْعَجَلَةَ سَقَةٌ. ([32])
فرمود: صبر و شکیبائی زینت شخص، وفای به عهد علامت جوانمردی، و عجله و شتابزدگی (در کارها بدون اندیشه) دلیل بی خردی می باشد.
- 32- قَالَ (عليه السلام): مَنْ اسْتَحَفَّ بِاخْوَانِهِ فَسَدَتْ مَرْوَتُهُ. ([33])
فرمود: کسی که دوستان و برادرانش را سبک شمارد و نسبت به آن ها بی اعتناء باشد، مرآت و جوانمردیش فاسد گشته است.
- 33- قَالَ (عليه السلام): إِنَّمَا يُجْزَى الْعِبَادُ يَوْمَ الْقِيَامَةِ عَلَى قَدْرِ عُقُولِهِمْ. ([34])
فرمود: همانا در روز قیامت بندگان به مقدار عقل و درک و شعورشان مجازات می شوند.
- 34- قَالَ (عليه السلام): إِنَّ الْقُرْآنَ فِيهِ مَصَابِيحُ الثَّوْرِ، وَ شِفَاءُ الصَّدُورِ، فَيَجِلُ جَالُ بَصَرُهُ، وَ لَيَلْجَمُ الصِّقَّةُ قَلْبَهُ، فَإِنَّ التَّقْوَى حَيَاةُ الْقَلْبِ الْبَصِيرِ، كَمَا يَمْشِي الْمُسْتَتِيرُ فِي الظُّلُمَاتِ بِالثَّوْرِ. ([35])
فرمود: همانا در قرآن چراغ های روشنائی بخش؛ و شفا بخش دردها و گرفتاری های درونی وجود دارد، پس کسی که (خود را) با قرآن جلی دهد چشمانش قوی و روشن می گردد؛ و قلب و درون خویش را صفا خواهد داد، چون که تفکر و اندیشه (در قرآن سبب) حیات قلب آگاه می باشد، همچنان که شخص روشن دل در تاریکی ها به وسیله نور چراغ حرکت می نماید و راه می رود.
- 35- قَالَ (عليه السلام): أَلْمِزَاجُ يَأْكُلُ الْهَيْئَةَ، وَ قَدْ أَكْثَرَ مِنَ الْهَيْئَةِ الصَّامِتِ ([36])
فرمود: مزاج و شوخی - های زیاد و بیجا - شخصیت و وقار انسان را از بین می برد، و چه بسا افراد ساکت دارای شخصیت و وقار عظیمی می باشند.
- 36- قَالَ (عليه السلام): أَلَلُّومُ أَنْ لَا تَشْكُرَ الْبِعَمَةَ. ([37])
فرمود: از علائم پستی شخص، شکر نکردن از ولی نعمت است.
- 37- قَالَ (عليه السلام): لِقَضَاءِ حَاجَةِ أَخٍ لِي فِي اللَّهِ أَحَبُّ مِنْ إِعْتِكَافٍ شَهْرٍ. ([38])
فرمود: هر آینه برآوردن حاجت و رفع مشکل دوست و برادرم، از یک ماه اعتکاف، در مسجد - و عبادت مستحبی، نزد من - بهتر و محبوب تر است.
- 38- قَالَ (عليه السلام): إِنَّ الدُّنْيَا فِي حَلَالِهَا حِسَابٌ، وَ فِي حَرَامِهَا عِقَابٌ، وَ فِي الشُّبُهَاتِ عِتَابٌ، فَأَنْزَلِ الدُّنْيَا بِمَنْزِلَةِ الْمَيْتَةِ، حَذْمُهَا مَا يَكْفِيكَ. ([39])
فرمود: چیزهای دنیا اگر حلال باشد حساب و بررسی می شود و اگر از حرام به دست آید عذاب و عقاب دارد و اگر حلال و حرام آن معلوم نباشد سختی و ناراحتی خواهد داشت. پس باید دنیا (و موجوداتش) را همچون میت و مرداری بشناسی که به مقدار نیاز و اضطرار از آن استفاده کنی.
- 39- قَالَ (عليه السلام): وَ اَعْمَلْ لِذُنُوبِكَ كَأَنَّكَ تَعِيشُ أَبَدًا، وَ اَعْمَلْ لِخَيْرَتِكَ كَأَنَّكَ تَمُوتُ غَدًا. ([40])
فرمود: در دنیا - از نظر اقتصاد و صرفه جوئی و... - چنان برنامه ریزی کن مثل آن که می خواهی همیشه دوام داشته باشی، و نسبت به آخرت به نوعی حرکت و کار کن مثل این که فردا خواهی مُرد.
- 40- قَالَ (عليه السلام): أَكْيَسُ الْكَيْسِ الثَّقَى، وَ أَحَقُّ الْحَقِّ الْقُجُورُ، الْكَرِيمُ هُوَ التَّوَّعُّبُ قَبْلَ السُّؤَالِ. ([41])
فرمود: زیرک ترین و هوشیارترین افراد، شخص باتقوا و پرهیزکار می باشد؛ أَحَقُّ و نادان ترین افراد، کسی است که تبه کار و اهل معصیت باشد؛ گرامی ترین و با شخصیت ترین افراد، آن کسی است که به نیازمندان پیش از اظهار نیازشان، کمک نماید.

- [1] - نزهه الناظر و تنبيه خاطر: ص 79، ح 33، بحار الأنوار: ج 78، ص 112، س 8.
- [2] - كلمة الإمام الحسن (عليه السلام): 7، ص 211.
- [3] - كلمة الإمام الحسن (عليه السلام): 7، ص 25، بحار الأنوار: ج 44، ص 23، ح 7.
- [4] - إحقاق الحق: ج 11، ص 183، س 2 و ص 185.
- [5] - دعوات الزاوندی: ص 24، ح 13، بحار الأنوار: ج 89، ص 204، ح 21.
- [6] - بحار الأنوار: ج 75، ص 111، ضمن ح 6.
- [7] - وافی: ج 4، ص 1553، ح 2، تهذيب الأحكام: ج 2، ص 321، ح 166.2
- [8] - تحف العقول: ص 234، س 14، من لا يحضره الفقيه: ج 1، ص 511، ح 1479.
- [9] - تحف العقول: ص 235، س 7، مستدرک: ج 3، ص 359، ح 3778.
- [10] - إحقاق الحق: ج 11، ص 238، س 2.
- [11] - إحقاق الحق: ج 11، ص 235، س 7.
- [12] - كلمة الإمام الحسن (عليه السلام): ص 140.
- [13] - أعيان الشيعة: ج 1، ص 577، بحار الأنوار: ج 75، ص 111، ح 6.
- [14] - تحف العقول: ص 229، س 5، بحار الأنوار: ج 10، ص 130، ح 1.
- [15] - كلمة الإمام حسن (عليه السلام): ص 138، تحف العقول: ص 234، س 6، بحار الأنوار: ج 75، ص 105، ح 4.
- [16] - تحف العقول: ص 236، س 13، بحار الأنوار: ج 75، ص 105، ح 4.
- [17] - تحف العقول: ص 232، س 2، بحار الأنوار: ج 75، ص 110، ح 5.
- [18] - تنبيه الخواطر، معروف به مجموعة وزام: ص 427، بحار: ج 68، ص 184، ضمن ح 44.
- [19] - تحف العقول: ص 164، س 21. بحار الأنوار: ج 75، ص 105، ح 3.
- [20] - أعيان الشيعة: ج 1، ص 577، بحار الأنوار: ج 75، ص 113، ح 7.
- [21] - كلمة الإمام حسن (عليه السلام): ص 212، بحار الأنوار: ج 73، ص 318، ح 6.
- [22] - همان مدرک: ص 57.
- [23] - تحف العقول: ص 233، أعيان الشيعة: ج 1، ص 577، بحار الأنوار: ج 75، ص 105، ح 4.
- [24] - تحف العقول: ص 234، س 7، بحار الأنوار: ج 75، ص 105، ح 4.
- [25] - نزهه الناظر و تنبيه خاطر: ص 79، س 13، بحار الأنوار: ج 75، ص 111، ح 6.
- [26] - إحقاق الحق: ج 11، ص 242، س 2.
- [27] - تحف العقول: ص 234، س 3، بحار الأنوار: ج 75، ص 106، ح 4.
- [28] - تحف العقول: ص 235، س 14، بحار الأنوار: ج 73، ص 312، ح 3.
- [29] - كلمة الإمام الحسن (عليه السلام)، ص 39، بحار الأنوار: ج 1، ص 218، ح 43.
- [30] - كلمة الإمام الحسن (عليه السلام): ص 46.
- [31] - كلمة الإمام الحسن (عليه السلام): ص 129.
- [32] - كلمة الإمام الحسن (عليه السلام): ص 198.
- [33] - كلمة الإمام الحسن (عليه السلام): ص 209.
- [34] - كلمة الإمام الحسن (عليه السلام): ص 209.
- [35] - نزهه الناظر و تنبيه خاطر: ص 73، ح 18، بحار الأنوار: ج 78، ص 112، س 15.
- [36] - كلمة الإمام الحسن (عليه السلام): ص 139، بحار الأنوار: ج 75، ص 113، ح 7.
- [37] - كلمة الإمام الحسن (عليه السلام): ص 139، بحار الأنوار: ج 75، ص 105، ح 4.
- [38] - كلمة الإمام الحسن (عليه السلام): ص 139.
- [39] - كلمة الإمام الحسن (عليه السلام): ص 36، بحار الأنوار: ج 44، ص 138، ح 6.
- [40] - كلمة الإمام الحسن (عليه السلام): ص 37، بحار الأنوار: ج 44، ص 138، ح 6.
- [41] - إحقاق الحق: ج 11، ص 20 س 1، بحار الأنوار: ج 44، ص 30.

منبع: کتابخانه تبیان